

صفحات : 1748 (3256) و 1749 (3257)

متن پیاده سازی شده جلسه سی و نهم خارج اصول 28 آبان 1399

بسمه تعالی

مباحث تقیه و شبه تقیه

گفته شد روایاتی در خصوص اقتدا به اهل تسنن در نماز جماعت صادر شده است و به این نکته پرداختیم که بعضی از این روایات به انگیزه مدارا و زندگی مسالمت آمیز با آن ها بیان شده اند. لذا اگر چنین روایتی مبین حکم فقهی باشد مورد نظر ما قرار می گیرد.

بیان شد که اگر کسی بگوید این روایات در فضای تقیه و برای حفظ جان صادر شده اند در پاسخ می گوئیم این خلاف اطلاق روایات است به علاوه وقتی به سائر روایات هم راستا با آن ها نظر می کنیم متوجه می شویم که صرف تقیه نیست و انگیزه مدارا نیز در آن ها وجود دارد.

از جمله به دو روایت اشاره می کنیم. روایت اول : محمد بن یحیی از احمد بن محمد از علی بن حکم از معاویه بن وهب (سند عالی و معتبر است) ابن وهب می گوید خدمت آقا عرض کردم : کیف ینبغی لنا ان نصلع فیما بیننا و بین قومنا و بین خلطاننا من الناس (مضمرة بودن حدیث لطمه ای وارد نمی سازد زیرا قطعاً از امام علیه السلام پرسیده است) در پاسخ می فرمایند : تنظرون الی ائمتکم فوالله انهم لیعودون مرضاهم...

روایت دوم : کلینی از ابن یحیی از ابن عیسی از حسین بن سعید و محمد بن خالد برقی از قاسم بن محمد جوهری از حبیب خثعمی (ممکن است در قاسم کمی بحث باشد اما مضمون این روایت در کنار مضامین سائر روایات قرار می گیرد که در اعتبار آن ها شکی نیست) می فرمایند : علیکم بالورع و الاجتهاد و اشهدوالجنائز و عودوا المرضی و احضروا مع قومکم مساجدکم... سپس گویا امام ع یک مسأله ی اخلاقی را بیان می کنند که وقتی شما یک همسایه سنی دارید و او حق شما را رعایت می کند چرا شما رعایت نکنید؟

این روایات نشان می دهد ائمه ع یک مدیریتی داشتند بی آنکه تاریخ را تحریف کرده یا بی اهمیت جلوه دهند. ثمره فقهی این بحث این است که نمی توان روایات اقتدا به عامه را مربوط به فضای تقیه دانست بلکه به قصد مدارا صادر شده اند و در نتیجه یک قضیه تاریخمند و مقطعی به حساب می آیند یا همان قضایای خارجی (البته ما این اصطلاح را قبول نداریم و همه ی قضایای شرعی را خارجی می دانیم) یا اینکه از شأن حکومتی ائمه ع صادر شده اند.

توجه شود که قضیه تاریخمند الزاماً حکم حکومتی نیست و ممکن است یک فتوای اجتماعی و موقت باشد مانند احکام ثانویه لذا ما فتوای معروف میرزای شیرازی را که حکم تاریخمند است، حکم حکومتی نمی دانیم زیرا حکم حکومتی نیاز به انشا دارد در حالی که میرزا استدلال می کند که استعمال تنباکو به منزله محاربه با امام ع است پس در چارچوب شریعت این فتوا را می دهد نه اینکه انشا کرده باشد.

ممکن است پرسیده شود : آیا شما مدارات و زندگی مسالمت آمیز را تا جایی بالا می برید که امام ع بیان خلاف واقع داشته باشند یا بیان تاریخمند بدون این که نشانه ای بگذارند که این حکم موقت است یا اینکه این ها هم مانند احکام ثانویه، حکم الله محسوب می شوند؟

پاسخ : چه اشکالی دارد؟ گاهی اوقات وضعیت زمان اقتضا می کرد ائمه ع چنین کاری انجام دهند و این باعث دفاع از ارکان شیعه بلکه موجب بقای آن می شد تا جایی که یکی از نویسندگان می گوید نصف جهان اسلام را تشیع گرفت (مراد او همه ی

انواع تشیع است نه خصوص 12 امامی) متأسفانه این ما ها بوده ایم که نتوانستیم حکومت های شیعی را نگه داریم وگرنه ائمه ع تدابیری دقیق داشتند و به اصحاب گشایش دادند تا وارد حکومت عباسی شوند و خود این کار زمینه تشکیل حکومتی مثل آل بویه را پیش آورد.

مطلب دیگر اینکه ممکن است مدارا به مقاصد بزرگتری برگردد مانند هدایت مردم و عرضه شدن و تبلیغ مکتب شیعه. نکته بعدی راجع به حکم حکومتی است؛ نباید تصور شود حکومتی بودن یک حکم به معنای تمام شدن تاریخ مصرف آن است بلکه تابع همان اهداف است مثلاً ما همچون برخی فتوا به اقتدای به عامه نمی دهیم اما فکر نمی کنیم که این یک حکم موقت و تاریخمند بوده است یعنی اگر الان هم همان اهداف را تأمین کند باز حکم به اقتدا می آید یا اینکه هدف دیگری را تأمین کند مانند رفع تهمت از شیعه، البته برخی مواقع هم ممکن است مفاسدی بر آن مترتب گردد. پس تاریخمند بودن به معنای پیوستن به گذشته نیست.

یک عبارتی را مرحوم خوئی دارند که در پایان صفحه 1749 آورده ایم، دوستان مراجعه کنند. اما برخی سوالات مطرح شده است که به پاسخ آن ها می پردازیم.

پرسش اول : آیا ائمه ع از شیعیان افراطی هم تقیه می کردند؟

بعضی اعتراض می کردند چرا قیام نمی کنید مانند معلی بن خنیس که خود او نیز در همین راه از دنیا رفت. پاسخ : بله ممکن است برای ملاحظه شیعیان افراطی تقیه کرده باشند حتی برخی افراد، روایاتی که ائمه علیهم السلام از خود علم غیب را نفی می کردند، حمل بر تقیه کرده و آن ها را برای تعدیل شیعیان می دانند. گاهی نیز بیان خلاف واقع نداشتند اما به صورت ناقص مطلب را می گفتند.

راوی می گوید از امام ع در مورد «تفت» (آیه 29 سوره حج) پرسیدم ایشان به گرفتن ناخن و چیدن مو پاسخ دادند سپس به ایشان گفتم : من از ذریع محاربی چیز دیگری شنیده بودم. (من تمام الحج لقاء الامام) مضمون کلام امام علیه السلام در جواب این است که شما مثل ذریع بشوید تا آن گونه شما را پاسخ دهیم. یا شخصی نزد امام ع آمد و پرسید چرا به رسول الله ص، ابوالقاسم می گفتند؟ امام ع پاسخ دادند : چون اسم فرزندشان قاسم بود. راوی گفت : همین مقدار؟ امام ع وقتی دیدند راوی مستعد است فرمودند : پیامبر ص معلم علی بود و معلم مثل پدر است و علی نیز قاسم الجنة و النار است. به قول برخی از بزرگان، قرآن سفره ایست که همه چیز در آن وجود دارد و هر کس به مقدار وسع خود از آن برداشت می کند تا جایی که بعضی به گمراهی کشیده می شوند.

پرسش دوم : آیا با این وضعیت می توان افقهیت را از سنجه های بسیار مهم برای ترجیح دانست؟  
پاسخ : بله همین طور است.

پرسش سوم : پاسخ بر اساس معتقد سائل آیا در اصول دین و معارف هم می آید؟

پاسخ : در معارف اشکالی ندارد و اتفاقاً چنین روایتی هم داریم اما در اصول دین پاسخ منفی است. مثل اینکه امام ع به خاطر قائل بودن سائل به تشبیه یا امامت انتخابی، موافق نظر او جواب دهند. بله در تقیه جانی امکان دارد ولی ما سراغ نداریم و ترجیح می دهیم چنین موردی پیدا نشود.